تحلیل گفتمان، کشف معانی ظاهری

کیان کیانی

www.kiankiani.com

نویسنده : نامشخص

موضوع : ـــــ

تحلیل گفتمان، کشف معانی ظاهری

تحلیل گفتمان، کشف معانی ظاهری و مستتر جریان‌های گفتمانی است که در شکل‌های گوناگون زبانی و فرازبانی آشکار می‌شوند.[۱]

واژه‌ی گفتمان (Discourse) که سابقه آن بنا بر برخی منابع، به قرن ۱۴ میلادی برمی‌گردد، از واژه فرانسوی discourse و لاتین discursus به معنی گفتگو، محاوره، گفتار و از واژه discursum/discurrer به معنی طفره رفتن، از سر باز کردن، تعلّل ورزیدن و... گرفته شده است.[۲]

این واژه در طول زمان و توسط محققان رشته‌های مختلف با معانی متفاوت، ولی نزدیک بهم به‌کار رفته است؛ اما به گفته "تئون ای ون دایک" مفهوم آن مانند مفاهیمی چون زبان، ارتباط، تعامل، جامعه و فرهنگ، مفهومی اساسا مبهم است.[۳]

"ون دایک" در توضیح معنای متعارف گفتمان، آن‌گونه که در زبان روزمره و فرهنگ‌های لغات بکار می‌رود، گفتمان را شکلی از کاربرد زبان، مثلا در یک سخنرانی و یا حتی بطور کلی‌تر، زبان گفتاری یا شیوه سخن گفتن می‌داند.[۴]

تحلیل گفتمان، یک گرایش مطالعاتی بین‌رشته‌ای است؛ که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده علمی ـ معرفتی، در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روانشناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی و بیان، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سیر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقمند به مطالعات نظام‌مند ساختار، کارکرد و فرایند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است. این گرایش که به دلیل بین‌رشته‌ای بودن، خیلی زود بعنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، اجتماعی، ارتباطات و زبان‌شناسی انتقادی مورد استقبال قرار گرفت، نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف انگلیسی "زلیک هریس" بکار رفت. البته در آن دوره‌ای که هریس از تحلیل گفتمان سخن گفت و این اصطلاح را بکار برد، صرفا با نگاهی زبان‌شناختی به این مقوله توجه کرد. ورود این بحث به عرصه‌های دیگر علمی مثل علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و ارتباطات و در واقع خروج آن از انحصار زبان‌شناسی، به دوران جدید برمی‌گردد. در این دوران، تحلیل گفتمان را بصورت تحلیل

انتقادی گفتمان استفاده کردند و آن را از صرف یک روش علمی برای تحلیل زبان، خارج کرده و با مکاتب و نظریات انتقادی مثل فرانکفورت، فمنیسم و... پیوند دادند؛ تا جایی که امروزه تحلیل گفتمان با دیدگاه انتقادی مترادف شده است.

از جمله متفکرانی که در مغرب زمین، این‌گونه مطالعات را از زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی انتقادی، وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کرده و بدان شکل انتقادی دادند، می‌توان به میشل فوکو، ژاک دریدا و میشل پشو اشاره کرد. این اندیشمندان که تحلیل گفتمان را بیشتر در قالب تحلیل انتقادی گفتمان (Critical Discourse Analysis) بسط و گسترش دادند، خود، وامدار مکتب انتقادی فرانکفورت و وارثان مستقیم و غیرمستقیم آن (مارکیست‌های جدید بویژه گرامشی و پیروانش، ساختارگرایانی چون آلتوسر و محقّقان مکتب فمنیسم) در دهه ۱۹۶۰ بودند. لازم به ذکر است این ره‌آورد تفکر پست‌مدرنیستی، که در حقیقت روش متکاملی از روش کیفی را ترسیم می‌کند، از سال‌های ۱۹۸۰ و بویژه در سال‌های پایانی قرن بیستم، بعنوان آخرین و گسترده‌ترین روش تحلیل مورد استفاده در علوم اجتماعی و ارتباطات و آخرین دستاورد اندیشه انسانی در تبیین مفاهیم و معانی جدید در عرصه زبان گفتگو و متن نوشتاری، مطرح گردید.[۵]

گفتمان

گفتمان در گستره مفهومی خود، بویژه در بیان غیر فنی، صرفا به مفهوم صحبت، مکالمه یا گفتگو می‌باشد؛ که گاه بطور تلویحی بیانگر نوعی هدف آموزشی و تعلیمی نیز هست.

از این‌رو خطابه، موعظه، سمینار، سخنرانی و رساله را می‌توان نوعی گفتمان به معنای عام کلمه بحساب آورد. اما در معنای فنی، علمی و زبان‌شناسانه آنکه برای اولین‌بار در اواسط دهه ۱۹۶۰ توسط اندیشمند فرانسوی "امیل بنونیست" بکار گرفته شد، گفتمان به جنبه‌هایی از زبان می‌پردازد، که تنها می‌توان آنها را با ارجاع به متکلم، وضعیت یا موقعیت مکانی و زمانی وی یا با ارجاع به متغیرهای دیگری بیان نمود؛ که در مشخص کردن بسترهای بافت موضعی پاره گفتار بکار می‌روند.

در این کاربرد فنی، گفتگو، شرط مقدماتی هر گفتمان است و به بیان "دایان مک دانل" زبان‌شناس انگلیسی، گفتمان هر نوع گفتار و کلام و نوشتاری را که در جریانی اجتماعی شکل می‌گیرد، شامل می‌شود. بعبارت دیگر، گفتمان‌ها دارای سرشت، ماهیت و ساختار اجتماعی هستند و برحسب زمان و مکان تغییر می‌کنند. گفتمان‌ها با توجه به انواع نهادها و کارکردهای اجتماعی مختلفی که در آن شکل می‌گیرند و نیز با توجه به موقعیت، جایگاه و شأن افرادی که صحبت می‌کنند یا می‌نویسند و کسانی که مخاطب آنان هستند، فرق می‌کنند.

در یک بررسی کلی می‌توان گفتمان را رویکردی ساختاری به متن دانست که امکان اتصال متن به جنبه‌های جامعه‌شناختی را فراهم می‌کند. در واقع گفتمان، حاصل مطالعه زبان بعنوان یک پدیده اجتماعی یا رویکردی جامعه‌شناختی به مقوله زبان است و دلالت بر آن دارد که متن، امری اجتماعی است؛ که در خلال روابط اجتماعی و نه بیرون و مستقل از آن، تکوین می‌یابد.[۶]

البته اصطلاح گفتمان، کاربرد دیگری نیز دارد؛ که باید آن را نیز بمعنای غیر علمی و غیر فنی ملحق دانست؛ که عبارت از اندیشه‌ها و فلسفه‌هایی است که فرد یا افرادی مانند سیاستمداران یک کشور، دارا هستند.[۷]

رویکردهای تحلیل گفتمان

فرایند تحلیل گفتمان که در فارسی معادل‌های دیگری نظیر سخن‌سنجی، سخن‌کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار نیز دارد، از نظر معنایی با سیر تکاملی همراه بوده است. این اصطلاح ترکیبی را اولین بار "زلیک هریس" بمعنای تحلیل صوری، شکلی و ساختاری جملات و کل متن مورد بررسی، بکار بست. در واقع "هریس" تحلیل گفتمان را نگاهی صرفا صورت‌گرایانه و ساختارگریانه به جمله و متن در نظر گرفت.

بعد از هریس، بسیاری از زبان‌شناسان، تحلیل گفتمان را در مقابل تحلیل متن بکار بردند. به اعتقاد این عده، تحلیل گفتمان، شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری (مانند گفتگوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها) است؛ ولی تحلیل متن تحلیل ساختار زبان نوشتاری (مانند مقاله‌ها، داستان‌ها و گزاره‌ها) را

شامل می‌شود. مراد این زبان‌شناسان از تحلیل گفتمان، تحلیل زبان محاوره‌ای و متون نوشتاری است.

زبان‌شناسان بعدی، واحدهای بزرگتر از جمله را در مطالعه زبان مورد بررسی قرار داده و قائل شدند که در تحلیل، نباید فقط به کلمات و جملات متن توجه کرد؛ بلکه واحدهای بزرگتری مانند پاراگراف را هم باید مد نظر قرار داد. رویکرد دسته سوم را می‌توان رویکردی کل‌نگرانه دانست.

پس از دیدگاه‌های سنّتی نسبت به تحلیل گفتمان، زبان‌شناسان بعدی از صرف پرداختن به خود متن در تحلیل‌ها، فاصله گرفتند و علاوه بر مطالعه (جزءنگر و کل‌نگرانه) متن، به مطالعه بافت موقعیّتی آن نیز در تحلیل‌ها معتقد شدند. این‌گونه رویکرد، که اعتقاد زبان‌شناسان کنونی نیز می‌باشد، تحلیل گفتمان را شناخت رابطه جمله‌ها با یکدیگر و نگریستن به کل آن چیزی که نتیجه این روابط است، دانسته و بجای توجه صرف به عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله، بعنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا، فراتر از زمینه متن، عوامل بیرون از متن، یعنی زمینه موقعیتی، فرهنگی و اجتماعی را در تحلیل متن، مورد توجه قرار می‌دهد. از نظر این گروه، تحلیل گفتمان، نوعی مطالعه محصولات ارتباطی است، که چگونگی شکل‌گیری معنا را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی(خود متن) و برون‌زبانی(زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی)، مورد مطالعه قرار می‌دهد. بنا بر رویکرد جدید، تحلیل گفتمان، مطالعه شرایط اجتماعی و فرهنگی، که متن تحت تأثیر آنها تولید می‌شود را نیز در کنار مطالعه خود متن، بررسی می‌کند و هدف آن، این است که نشان دهد، زمینه (بافت)های سیاسی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و شناختی کاربرد زبان و ارتباطات چگونه بر محتوا، معانی، ساختارها یا استراتژی‌های متن اثر می‌گذارند و نیز تأثیر گفتمان بر شکل‌گیری ساختارها و بسترهای مزبور چگونه است.[۸] براساس این رویکرد غیرسنتی، دیگر، نویسنده یک متن، خالق انحصاری معنای آن متن نبوده و بیش از آنکه وی در خلق معنا مؤثر باشد، خواننده متن بوجود آورنده آن است. این امر، بدان معناست که ممکن است در شرایط مختلف، برداشت‌های مختلفی از یک متن بدست آید و قرائت‌های مربوط به یک متن در هر عصری، به لحاظ تفاوت خوانندگان، متفاوت گردد. البته این امر، در صورتی است که بخواهیم با روش تحلیل گفتمان به معناشناسی متون بپردازیم. در این روش، شاهد تعدد تحلیل‌ها به اندازه تعداد تحلیل‌گران خواهیم بود.

لازم به ذکر است، این روش، در مطالعه متون غیر دینی مدنظر است؛ ولی در مطالعه متون دینی، روش‌های تخصّصی خاصی وجود دارند؛ که باید

براساس آنها به بررسی و تحلیل پرداخت.[۹]

مفروضات تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان و دستیابی به پسامتن، بر سلسله پیش‌فرض‌هایی استوار است؛ که مهم‌ترین آنها، عبارتند از :

۱ـ افرد مختلف به متن یا گفتار به شیوه‌های مختلف می‌نگرند؛

۲ـ گفتمان، سطوح و ابعاد متعدد دارد؛

۳ـ به متن باید مانند یک کل معنادار نگریست و این معنا لزوما در خودش نیست؛

۴ـ هر متنی به یک منبع قدرت یا اقتدار(نه لزوما سیاسی) مرتبط است؛

۵ـ هیچ متنی خنثی و بی‌طرف نبوده و متن‌ها بار ارزشی و ایدئولوژیک دارند؛

۶ـ معنا، همان قدر که از متن ناشی می‌شود، از بافت یا زمینه اجتماعی و فرهنگی اثر می‌گیرد؛

۷ـ هر متنی در شرایط و موقعیت خاصی تولید می‌شود؛ از این‌رو، رنگ خالق خود را همیشه با خود دارد.

اهداف تحلیل گفتمان

اهداف مهم تحلیل گفتمان از این قرارند :

۱ـ نشان دادن رابطه بین نویسنده، متن و خواننده؛

۲ـ نشان دادن بی‌ثباتی معنا؛

۳ـ آشکار کردن رابطه بین متن و ایدئولوژی؛

۴ـ نشان دادن تأثیر متقابل متن و زمینه بر یکدیگر؛

۵ـ روشن کردن ساختار عمیق و پیچیده تولید متن یعنی جریان تولید گفتمان.

تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان انتقادی، رویکرد جدیدی در مطالعات کلامی است؛ که در سال‌های اخیر بوجود آمده و ریشه در آراء میشل فوکو، فیلسوف فرانسوی دارد. این نوع تحلیل، نحوه استفاده غیرمشروع از قدرت جمعی، سلطه و عدم مساوات، که از طریق نوشتار و گفتار در بافت اجتماعی و سیاسی خاصی صورت می‌گیرد و یا در برابر آن ایستادگی می‌شود را بررسی می‌نماید. اینکه چگونه روابط اجتماعی، هویت، دانش و قدرت، از طریق متون نوشتاری و گفتاری ایجاد می‌شوند و یا اینکه مؤسسات و نهادهای اجتماعی‌ای چون مدرسه و دانشگاه، به وسیله و از طریق گفتمان، چگونه شکل گرفته‌اند و می‌گیرند، از مباحث اصلی تحلیل گفتمان انتقادی بشمار می‌آیند.

تحلیل‌گر انتقادی برآنست تا سازوکار عدم مساوات اجتماعی نهفته در لایه‌های زیرین گفتمان را کشف کرده و نشان دهد و آگاهی لازم و کافی برای افراد جامعه مورد نظر را فراهم آورد؛ تا با فراهم آمدن زمینه و سازوکار توزیع عادلانه بهره‌گیری مطلوب از ساختارهای گفتمان‌مدار، توسط آحاد افراد جامعه در جهت تحقق عدالت اجتماعی گام‌هایی برداشته شود.[۱۰]

تحلیل گفتمان انتقادی به تبیین روابط میان گفتمان و قدرت اجتماعی می‌پردازد؛ که نوشتار و گفتار گروه‌ها و نهادهای مسلط، چگونه از قدرت، سوءاستفاده کرده و بدان مشروعیت می‌بخشند. این نوع تحلیل، مشکلات اجتماعی را مورد توجه قرار داده و مفاهیمی چون طبقه، جنسیت، فمنیسم، نژاد،

هژمونی، منافع، عدالت، نابرابری و ... را بررسی می‌کند.[۱۱] دیوید کریستال (۱۹۹۲) در تعریف این نوع تحلیل می‌گوید : "رویکردی به تجزیه و تحلیل زبان است؛ که هدف آن آشکارسازی روابط پنهان قدرت و فرایندهای ایدئولوژیکی در زبان‌شناسی است".[۱۲]

تفاوت تحلیل گفتمان سنتی با تحلیل گفتمان انتقادی

۱ـ بنا به نظر "نورمن فرکلاف" رویکردهای غیرانتقادی و سنتی در زبان‌شناسی و مطالعات پدیده‌های زبانی، به تبیین شیوه‌های شکل‌گیری اجتماعی اعمال گفتمانی و یا تأثیرات اجتماعی آنها توجه نداشته و صرفا به بررسی توصیفی ساختار و کارکرد اعمال گفتمانی بسنده می‌کنند؛ اما تحلیل انتقادی، در بررسی پدیده‌های زبانی و اعمال گفتمانی به فرایندهای ایدئولوژی سلطه و قدرت، قدرت، سلطه و نابرابری در گفتمان، بازتولید ایدئولوژی زور و پیش‌فرض‌های دارای بازه ایدئولوژیک در گفتمان توجه کرده و عناصر زبانی و غیرزبانی را به همراه دانش زمینه‌ای کنشگران هدف و موضوع مطالعه خود قرار می‌دهد.[۱۳]

۲ـ در گفتمان‌شناسی سنتی، ما بیشتر به توصیف و تفسیر کلام، در بافتی مشخص، که گفته در آن چارچوب واقع شده است و اصطلاحا آن را بافت موقعیّتی یا قرینه حالیه می‌نامیم، عنایت داریم و با توجه به این بستر، در حد ممکن، معنا و مفهوم کلام را درمی‌یابیم. اما در گفتمان انتقادی، بافتی گسترده‌تر از بستری که بیان و عمل در آن اتفاق افتاده، مورد توجه قرار می‌گیرد و به تاریخ زندگی فردی و جمعی آرزوها و امیال افراد، جهان‌بینی طرف‌های گفتگو، نهاد و سازمانی که افراد به آن تعلق دارند و ساخت و پرداخت جامعه‌ای که افراد در آن زندگی می‌کنند، هم توجه می‌شود.[۱۴]

اهداف گفتمان‌کاوی انتقادی

گفتمان‌کاوی انتقادی، که اساسا بایستی به ابعاد گفتمانی سوءاستفاده از قدرت و بی‌عدالتی و نابرابری ناشی از آن بپردازد، برخلاف دیگر رهیافت‌های گفتمان‌کاوی، هدف گفتمان‌کاوی انتقادی عمدتا ارائه یک روش، انگاره، مکتب یا نظریه گفتمانی ویژه نبوده؛ بلکه اساسا به بررسی مسائل مهم اجتماعی راغب است و می‌کوشد تا از طریق تحلیل گفتمان، درک بهتری از آنها ارائه دهد.

تحلیل‌گران انتقادی از طریق درک انتقادی، درصدد تغییر اوضاع بوده و هدف انتقاد آنها نخبگان قدرت هستند؛ که بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی را اعمال کرده و تداوم می‌بخشند و یا به آن به دیده اغماض نگریسته و آن را نادیده می‌گیرند.[۱۵]

منابع

۱ـ بشیر، حسن؛ تحلیل گفتمان دریچه‌ای بری کشف ناگفته‌ها، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۵، چاپ چهارم، ص۱۴.

۲ـ همان، ص۹.

۳ـ ون دایک، تئون ای؛ مطالعاتی در تحلیل گفتمان، تژا میرفخرایی و دیگران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۲، چاپ اول، ص۱۵.

۴ـ میرفخرایی، تژا؛ فرایند تحلیل گفتمان، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۳، ص۷ و ۸.

۵ـ همان، ص۷ و ۶ و فرقانی، محمدمهدی؛ راه دراز گذار، تهران، فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۲، چاپ اول، ص۶۰ و بهرام‌پور، شعبان‌علی؛ مقدمه "تحلیل انتقادی گفتمان"(نورمن فرکلاف)، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۹، چاپ اول، ص۷ و ۸ و جزوه کلاسی دکتر هرمزی‌زاده، دانشکده صدا و سیمای قم، ۱۳۸۷.

۶ـ فرقانی، محمدمهدی؛ ص۶۰ و ۶۱ و ۶۲.

۷ـ میرفخرایی، تژا؛ ص۸.

۸ـ بهرام‌پور، شعبان‌علی؛ ص۸ و فرقانی، محمدمهدی؛ ص۶۳ و ۶۸ و ۶۹ و ون دایک، تئون ای؛ ص۲۷ و دکتر هرمزی‌زاده؛ همان.

بازگشت به متن

۹ـ بشیر، حسن؛ ص۱۷ و ۱۸.

۱۰ـ یارمحمدی، لطف الله؛ گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، هرمس، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص۴.

۱۱ـ همان، ص۵ و ون دایک، تئون ای؛ ص۳۴۹.

۱۲ـ آقاگل‌زاده، فردوس؛ تحلیل گفتمان انتقادی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵، چاپ اول، ص۱۱.

۱۳ـ بهرام‌پور، شعبان‌علی؛ ص۱۲.

۱۴ـ یارمحمدی، لطف‌الله؛ ص۳ و ۴.

۱۵ـ ون دایک، تئون ای؛ ص۱۸۲ و ۱۸۳.

منبع : پژوهه